



نویسنده: حمید رنکس «Hamid Rencus» .
منبع و تاریخ نشر : کریدل «2025-03-28» .
برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

علویان و مسیحیان: پشت کشتار خاموش و فرقه‌ای سوریه

Alawites and Christians: Behind Syria's silent, sectarian slaughter

حاکمان جدید حیات التحریر الشام (HTS) سوریه کمپین انتقامجویی فرقه‌ای را علیه جوامع علوی و مسیحی به راه انداخته‌اند - نسل‌کشی آشکاری که نه با خشم، بلکه با اقدامات دیپلماتیک برای جنگ‌سالاران تغییر نام دهنده القاعده که اکنون از دمشق حکومت می‌کنند، مواجه شد.

Syria's new HTS rulers have unleashed a campaign of sectarian retribution against Alawite and Christian communities – an unfolding genocide met not with outrage, but with diplomatic overtures to the rebranded Al-Qaeda warlords now ruling from Damascus.



Photo Credit: The Cradle.

کشتار و سرکوب علویان و مسیحیان در سوریه بلافاصله پس از سقوط دمشق آغاز شد و در سه ماه و نیم گذشته ادامه داشته است.

در 7 دسامبر 2024، یک روز پس از سقوط پایتخت به دست شبه نظامیان مستقر در ادلب، اسرائیل بمباران خاک سوریه را آغاز کرد و تانک ها را در جنوب این کشور مستقر کرد. با این حال، شبکه های حیات تحریر الشام (HTS) و گروه های سلفی افراطی وابسته به آن - که کنترل دمشق را در دست گرفته بودند - به سمت اسرائیل نبود، بلکه به سمت جمعیت علوی سوریه بود. آنچه با حمله به اماکن مذهبی علویان و مسیحیان آغاز شد، به سرعت به کشتار سیستماتیک علویان تبدیل شد.

کمپین پاکسازی قومی

شبه نظامیان وابسته به HTS که اکنون در نیروهای امنیتی سوریه ادغام شده اند، به شهرها و روستاهای علوی یورش بردند، ساکنان را تحقیر کردند، خانه ها را غارت کردند، مردان را دستگیر کردند و در خیابان ها اعدام کردند. ویدئوهایی که آنها فیلمبرداری کردند نشان می دهد که آنها زندانیان را روی زمین می کشانند، آنها را مجبور می کنند مانند سگ پارس کنند، و صحنه های تحقیر و مرگ عمومی را جشن می گیرند.

از همان ابتدا مشخص بود که این جناح های تندرو سلفی که با نفرت و انتقام جویی هدایت می شدند، قصد پاکسازی قومی را داشتند. کمپین آنها خودجوش نبود - بلکه نتیجه 14 سال تحریک فرقه ای بود.

سقوط دمشق ناگهانی بود و شوک ناشی از آن باعث ایجاد ترس گسترده از نسل کشی علیه اقلیت ها شده است. بیش از یک دهه پیش، از زمان آغاز بحران سوریه در سال 2011، علوی ها مورد نابودی قرار گرفته اند: ده ها هزار شبه نظامی خارجی که با دعوت به «جهاد» علیه دولت بشار اسد، رئیس جمهور مخلوع - یک علوی - جذب شده بودند، با سردادن شعارهایی مانند «علوی ها به بعیر، مسیحیان تا قبر» وارد سوریه شدند!

به زودی فتواهایی که خون، اموال و زنان مسیحیان، دروزی ها و علوی ها را حلال می کرد، رواج یافت. در اولین کشتار بزرگ در جسر الشغور در سال 2011، 120 افسر پلیس سوری اعدام و به رودخانه اورونتس (نهر العاصی) انداخته شدند.

کل جمعیت از مناطقی مانند المخرم الفقانی آواره شدند، بیش از 34000 نفر از ساکنان آن رانده شدند و بیش از 300000 خانواده از ادلب در خانه های خود اسکان داده شدند.

در همین زمان، شیخ عدنان الارور به شدت فرقه گرا که از ریاض در شبکه تلویزیونی الویصل صحبت می کرد، صراحتاً خواستار نابودی علویان شد: «ای علویان، به خدا

سوگند ما شما را خرد می‌کنیم و به سگ‌ها می‌دهیم». فرمود: جهاد کنید تا خداوند به شما اجر و ارض و زنان علویان را بدهد.

به همین ترتیب، یاسین العجلونی، روحانی سلفی نیز فتوایی صا در کرد و اعلام کرد: «زنان علوی و دروزی را بگیرید، اما ازدواج با آنها حرام است، بدون ازدواج هر طور که می‌خواهید از آنها استفاده کنید». این تحریک به زودی در میان روحانیون سلفی در سراسر جهان عرب گسترش یافت و منجر به کشتار جمعی و سایر جنایات شد.

یکی از بدنام‌ترین آنها در سال 2013 در لاذقیه رخ داد که در آن 190 علوی از جمله 57 زن و 18 کودک در یک شب کشته شدند. قتل عام‌های دیگری در حما، حمص، لاذقیه، طرطوس و غوطه شرقی دنبال شد که هر کدام جان حداقل 100 نفر را گرفت، که معمولاً در درگیری بین ارتش سوریه و نیروهای افراطی اسلام‌گرا بود.

اما امروز دیگر چنین درگیری‌هایی وجود ندارد - فقط HTS و گروه‌های وابسته به آن اسلحه‌های خود را به سوی غیرنظامیان بی‌دفاع علوی می‌چرخاند.

: از کشتارهای منفرد تا پاکسازی سیستماتیک

حملات اخیر به دلیل دو عامل کلیدی به نسل‌کشی تمام عیار تبدیل شده است: خاموشی تقریباً کامل رسانه‌ای، و تصویرسازی نادرست مداوم از جنایات به عنوان اقدامات انتقام جویانه منزوی و غیر مرتبط با HTS. در ماه اول آنچه به طور گسترده به عنوان "حوادث فردی" توصیف شد، شیوخ، قضات، دانشگاهیان و کشاورزان علوی به طور خاص هدف قرار گرفتند.

علیرغم ادعاهایی مبنی بر اینکه خشونت پراکنده و ارتجاعی بوده، مستندات آنها داستان متفاوتی را بیان می‌کند - یکی از حملات سیستماتیک به مقدسات مذهبی، دستگیری‌های دسته جمعی، غارت، آواره شدن اجباری، و تخریب خانه‌ها.

همه توسط مرکز اسناد نقض ملی سوریه فهرست‌بندی شده‌اند، که قبل از حذف صفحه توسط متا در تلاشی آشکار برای سانسور، عکس‌ها و ویدئوهای را در فیس‌بوک منتشر کرد. این گروه علیرغم تلاش‌های مداوم برای سرکوب کار خود، به اشتراک گذاری محتوا از طریق واتس‌آپ ادامه می‌دهد.

هتک حرمت، اعدام و اخراج اجباری

چند نمونه گویا در میان بسیاری از تخلفات مکرر در جوامع علوی و مسیحی شامل تخریب قبور و زیارتگاه‌ها، هتک حرمت کلیساها، حمله به نمازگزاران، سوزاندن درخت کریسمس در حماه، و به آتش کشیدن مقبره ابو عبدالله الخصیبی است.

تنها بین 8 تا 25 دسامبر، گروه های تندرو سلفی به کلیساها حمله کردند، به روستاهای مسیحی یورش بردند، به نمادهای مذهبی شلیک کردند و متولیان حرم را کشتند. فهرست کوتاه زیر از حوادث تأیید شده نشان می دهد که این حملات تا چه اندازه منظم و مکرر بوده اند:

● 19 دسامبر 2024: تیراندازی به کلیسای ارتدوکس یونانی در شهر حما شلیک شد. اسقف نیکلاس بالباکی، متروپولیتن ارتدوکس یونانی حما، گفت: "گروه های مسلح از مردم آمدند، اسلحه های خود را به سمت ما نشانه رفتند، صلیب ها را شکستند، دیوارهای کلیسا را اسکن کردند و رفتند."

● 22 دسامبر 2024: در روستای صفصافه سوریه، به اموال علویان و مسیحیان حمله شد، پول اخاذی شد و زنان آنها مورد خشونت قرار گرفتند.

● 23 دسامبر 2024: گروه های افراطی اسلام گرا وابسته به HTS درخت کریسمس را در حماه به آتش کشیدند. به سوی جوانان مسیحی که سعی در جلوگیری از سوختن درخت داشتند، تیراندازی شد.

● 24 دسامبر 2024: مقبره علویان در روستای باروچه در نزدیکی شهر تلخاله در حمص مورد حمله گروه های افراطی اسلام گرا قرار گرفت. قبر او سوزانده شد، وسایلش دزدیده و ویران شد.

● 25 دسامبر 2024: ستیزه جویان مقبره 700 ساله ابو عبدالله الخصیبی، یکی از علمای مهم جامعه عرب علوی را به آتش کشیدند و پنج غیرنظامی علوی که از حرم مراقبت می کردند، قتل عام شدند. ستیزه جویان مسلح پا بر روی اجساد مردگان گذاشتند و عکس گرفتند.

● 5 ژانویه 2025: در محله مسیحی نشین الکساء دمشق، یک ستیزه جوی افراطی سلفی سوار بر اسب که پرچم داعش را حمل می کرد در محله میدان برج الروس رژه رفت. علاوه بر این، در محله مسیحیان اطلاعیه ای مبنی بر دعوت به حجاب داده شد و به زن و مرد دستور داده شد که با هم راه نروند.

● 15 ژانویه 2025: دانشگاه خصوصی مسیحی الحواش در حمص مورد حمله قرار گرفت و عقاید اسلام گرای سلفی بر همه افراد این مؤسسه تحمیل شد.

● 15 ژانویه 2025: در محله مسیحی نشین القصده دمشق، یک خودروی شبه نظامیان افراطی اسلام گرای مسلح از غوطه، با نقاب، سعی در توزیع اعلامیه هایی در مورد استفاده از نقاب و خواهان ممنوعیت سیگار کشیدن داشتند. هنگامی که جوانان مسیحی مداخله کردند، ستیزه جویان برای ترساندن جمعیت تیراندازی به هوا کردند و درگیری رخ داد.

● 16 ژانویه 2025: کلیسای ارتدوکس یونانی در حما دوباره مورد حمله قرار گرفت و درب کلیسا ویران شد.

● 15 فوریه 2025: روستاهای مسیحی در وادی النساره (دره مسیحیان) مورد حمله قرار گرفت و 12 جوان مسیحی ربوده شدند. سه نفر بعداً آزاد شدند و 9 نفر گروگان گرفته شدند - دلیل آن به صدا درآمدن ناقوس کلیسا بود.

● 17 فوریه 2025: در روستای زیدال حمص، گروه‌های افراطی سلفی به قبرستان مسیحیان حمله کردند و صلیب‌ها و برخی از نمادهای مذهبی مسیحی را تخریب کردند. جوامع علوی و مسیحی به طور یکسان با دستگیری‌های دسته جمعی، تهاجمات خشونت آمیز به خانه‌ها، تخلیه اجباری و غارت گسترده مواجه شدند. روستاهایی مانند کفر نان، کوبارین، تللیسه و تلکلاخ مورد گلوله باران، سرقت اموال و اعدام درملاء عام قرار گرفتند.

در 11 ژانویه، جورج بارشینی، رهبر اپوزیسیون سوریه، اعلام کرد که HTS در حال انجام یک نسل‌کشی سیستماتیک است و بیان کرد که هزاران مرد علوی در 40 زندان بازداشت شده‌اند و برنامه‌های بلندمدت برای نابودی آنها وجود دارد.

نابود شدن‌ها، سردخانه‌ها و گورهای دسته جمعی

* در 2 ژانویه، در روستای الغور، دو کاروان HTS در سپیده دم رسیدند، به طور بی رویه تیراندازی کردند، به مدرسه یورش بردند، دانش‌آموزان را مرعوب کردند، بسیاری را زخمی کردند و ساکنان را در خیابان‌ها اعدام کردند. احمد ماری جاردو سالخورده هنگام فرار کشته شد و چهار مرد جوان در تلاش برای محافظت از او به ضرب گلوله کشته شدند. اجساد به پوشیدن رها شدند، خانواده‌ها از حق دفن مردگان خود محروم شدند و غارت بدون چالش ادامه یافت.

* در 5 ژانویه، 34000 نفر از منطقه علوی المخرم الفقا نیین حمص آواره شدند. در سراسر حمص، جمعیت علوی به سرعت در حال نابودی است. بیش از 300000 خانواده که بیشتر آنها خارجی هستند از ادلب آورده شده و در خانه‌های علویان ساکن شده‌اند.

یکی از اهالی روستای متنین حمه در 12 ژانویه گزارش داد که «تمام خانه‌های محله غربی (حلقه علوی‌ها) مورد سرقت و سوزاندن قرار گرفت، تمام دارایی‌های آنها به سرقت رفت، مردم از روستا بیرون رانده شدند، تهدید شد که در صورت بازگشت به روستا به قتل و اعدام خواهند رسید.»

* در 16 ژانویه، در روستای کابورین، حمص، تیراندازی با سلاح سنگین منازل مسکونی از ساعت 8 صبح شروع شد و تا ساعت 17:00 ادامه داشت. بعداً، ستیزه جویان افراطی یورش‌ها، جستجو‌ها و دستگیری‌های تصادفی انجام دادند و ده‌ها نفر - عمدتاً غیرنظامیان را که جمع‌آوری و به رودخانه اورونتس (نهر العاصی) منتقل شدند، بازداشت کردند.

علاوه بر این، بسیاری از روستاییان، از جمله افراد بالای 60 سال، بیش از یک ساعت مورد ضرب و شتم و شکنجه قرار گرفتند. آنها مورد آزار فرقه ای، توهین و تحقیر قرار گرفتند، در حالی که عملاً در محاصره بودند و قادر به ترک منطقه نبودند.

* در 17 ژانویه، حداقل 300 نفر از حمص-کوبرین، تللیسه و روستای کردنشین داسنیه دستگیر و «به بستر رودخانه اورونتس» منتقل شدند و در آنجا همه آنها را اعدام کردند.

* در 24 ژانویه، روزنامه نگار مستقر در حمص وحید یزبک از قتل های متعدد از سردخانه های بیمارستان گزارش داد:

ده ها جسد ناشناس در بیمارستان های حمص وجود دارد. در بیمارستان الولید، 23 جسد ناشناس پیدا شد. 102 جسد در مرکز پزشکی قانونی بزرگ در الوائر و بیمارستان کرم اللوز وجود دارد. چهره های اکثر آنها تغییر شکل داده است.»

نیدال حماده، روزنامه نگار مشاهده کرد:

بیمارستان های حمص هنوز اجساد ده ها نفر از زندان های حمص و حماه را دریافت می کنند که همگی در زیر شکنجه جان خود را از دست دادند و سپس با گلوله رحمت به سرشان شلیک کردند. اکثر اجساد متعلق به سربازان و افسرانی است که در روزهای اول پس از سقوط رژیم ناپدید شدند. اکنون در حال انحلال هستند.»

* در 31 ژانویه، در روستای ارزا در حماه، همه مردان علوی در بستر رودخانه اورونتس اعدام شدند. اعدام های مشابهی در حمص رخ داد که حداقل 9 کشته و بسیاری ربوده شدند. قتل عام در فاحل، که در آن 58 نفر از ساکنان آن کشته شدند و یک دختر جوان در اثر شوک در کنار جسد پدرش جان باخت، اولین موردی بود که توسط فرماندار HTS حمص تایید شد.

سایر قتل عام ها یا تکذیب شده بودند یا به گردن بازیگران سرکش انداخته شده بودند.

پس از فروپاشی دمشق، بیش از 30000 سرباز سوری تسلیم شدند اما از آن زمان ناپدید شده اند. خانواده ها تظاهرات کردند و خواستار پاسخ بودند، در حالی که گزارش هایی از کشف صدها جسد ناشناس در سردخانه های بیمارستان منتشر شد. بسیاری از آنها نشانه های شکنجه و اعدام را نشان دادند. روزنامه نگاران تأیید کردند که اجساد عمدتاً سربازانی بودند که در روزهای اولیه تسلط HTS ناپدید شدند.

این داستان ها تنها بازگویی منتخبی از رویدادهای خشونت آمیز تایید شده ای است که از زمان سرنگونی دولت اسد علیه اقلیت های سوریه - به ویژه علوی ها و مسیحیان - انجام شده است.

سرنوشت زنان

* از دسامبر 2024 تا امروز، ده ها زن هدف آدم ربایی قرار گرفته اند. برخی از آنها از جمله پروفیسور راشا العلی از دانشگاه حمص بعداً به قتل رسیده و مثله شدند.

فیلم ها ربوده شدن زنان علوی و مسیحی را نشان می دهد.

یکی از بازماندگان گزارش داد که 70 زن تنها از روستایش برده شده اند. رسانه های محلی تخمین زدند که بیش از 100 زن حرفه ای - از جمله پزشکان، مهندسان و معلمان - تنها در دو روز ربوده شدند. نگرانی های گسترده ای وجود دارد که برخی از این زنان ممکن است به ادلب قاچاق شده باشند، جایی که HTS نزدیک به یک دهه است که در آنجا حکمرانی کرده است، و اینکه بازاری برای برده های زن یا قاچاق اعضای بدن ممکن است در حال حاضر وجود داشته باشد، مشابه رویه های داعش.

تعداد زیادی از مردان ربوده شده نیز به صورت فراقانونی اعدام شدند. تنها تا 18 فوریه، حداقل 53 مورد مستند از آدم ربایی و قتل های فراقانونی وجود داشت، اگرچه تعداد واقعی قطعاً بسیار بیشتر است.

بکش اما عکس و فیلم بگیر

دستورات داخلی HTS از مستند سازی تخلفات توسط کا در های مسلح آنها جلوگیری کرد. شخصیت های ارشد تندرو سلفی، از جمله حذیفه عزام و فرمانده HTS، ابومحمود السوس، به شبه نظامیان دستور دادند «بکشید، اما عکس و فیلم بگیرید». این خشونت به عنوان «پاکسازی بقایای رژیم قدیمی» با دستورالعمل های دقیق برای به جا گذاشتن هیچ مدرک دیجیتالی در نظر گرفته شد.

سوس اولین فردی بود که پس از سقوط دمشق وارد استودیوی تلویزیون دولتی سوریه شد. او در آن زمان ضمن جشن انقلاب، این پیام را داد که «همه مردم سوریه یکی هستند». اما برخلاف آن پیام، در 13 ژانویه علناً خواستار نسل کشی شد و اظهار داشت:

ما از شما می خواهیم، اگر می خواهید کاری انجام دهید، آن را ضبط نکنید. خودتان و دیگران را لو ندهید. هر کاری می خواهید بکنید، اما از آن فیلم بگیرید. فیلمبرداری فقط به انقلاب و انقلابیون آسیب می زند. فیلم بگیرید و اگر فیلم می گیرید، منتشر نکنید. این به درد ما نمی خورد. فقط برای ما در دسر ایجاد می کند. این ناخوشایند است، من به شما آزادی می دهم که از شر [اراذل و اوباش اسدیست] خلاص شوید، هیچ کس جلوی شمارا نخواهد گرفت.»

ابومحمود السوس، فرمانده HTS به ستیزه جویان می گوید که «هر کاری می خواهند بکنند» اما از آن فیلم نگیرید، زیرا تنها به «انقلاب و انقلابیون صد مه می زند» و آنها را مجبور به سرپوش گذاشتن بر اعمال خود می کند.

گزارش های بی شماری از شبه نظامیان وجود دارد...

The — pic.twitter.com/0CRlmFoTWB

16 the Cradle (@TheCradleMedia) ژانویه 2025

* در 6 مارس، گروهی که خود را "سپر ساحلی" می نامند، مقاومت مسلحانه در برابر قتل عام های جاری را اعلام کردند. یک روز بعد، HTS یک عملیات نظامی تمام عیار را در سراسر منطقه ساحلی سوریه آغاز کرد. روستاها بمباران شدند، خانواده ها کشته شدند، خانه ها سوختند. بلندگوهای مساجد در شهرهای بزرگ خواستار نابودی علویان شدند.

بر اساس گزارش دیده بان حقوق بشر سوریه (SOHR) مستقر در بریتانیا، 6316 نفر بین 8 دسامبر تا 18 مارس کشته شده اند. اسناد محلی نشان می دهد که رقم واقعی بیش از 30000 نفر است و کل روستاها از بین رفته اند.

گزارش شده است که در روزهای 7 و 8 مارس، در روستای بارمایا در نزدیکی بانیا، 25 نفر کشته و 65 خانه به آتش کشیده شد. حومه طرطوس و بانیا برای روزها گلوله باران شد و حملات هواپیماهای بدون سرنشین غیرنظامیان در حال فرار را هدف قرار دادند. در روستای بارمادا خانه ها غارت شد و سپس به آتش کشیده شد. گورهای دسته جمعی در جبله و قرضه ثبت شده است. برخی از اجساد لباس های نظامی پوشیده بودند تا قتل عام را به عنوان تلفات جنگی پنهان کنند.

سکوت کرکننده بین المللی

محکومیت سازمان ملل تنها پس از یک جلسه غیرعلنی به درخواست ولادیمیر پوتین و دونالد ترامپ، روسای جمهور روسیه و ایالات متحده صورت گرفت. در پاسخ، HTS دستور داد اجساد را برای پنهان کردن شواهد از بین ببرند.

اجساد را می سوزانند، به دریا می انداختند یا در دره ها می انداختند. برخی خانواده ها گزارش دادند که عزیزان بدون اطلاع آنها دفن شده اند. در روستای سنوبر، نجات یافته رغدا علی فهرستی از بیش از 130 قربانی منتشر کرد که بسیاری از آنها از یک خانواده بودند. مردم روستای من، خواهرانم، همسایه هایم، اقوام من همه رفته اند.» او لیست خود را با این جمله به پایان رساند: "و لیست ادامه دارد."

در بانیاس، اجساد و خانه ها به آتش کشیده شد. اجساد را به دره ها انداختند. در 11 مارس، قرداها، روستای زادگاه خانواده اسد، به آتش کشیده شد. یک ستیزه جوی افراطی اسلام گرا از شعله های آتش فیلم گرفت و به خودمی بالید که "حداقل 300 نفر" کشته شده اند.

در یک مورد دلخراش، زرقاء صباحیه 86 ساله مجبور شد تا چهار روز متلاشی شدن جسد دو پسر و نوه اش را در خیابان تماشا کند. او از دفن محروم شد. خانه غارت شده او اکنون توسط قاتلان خانواده اش که هنوز روبروی او زندگی می کنند، اشغال شده است.

هنگامی که فرماندار HTS برای تسلیت به آنجا رفت، حسن سوفان، فرمانده بد نام جنگ، او را همراهی کرد. در حالی که مادران داغدار درخواست عدالت می کردند، او با لبخند پاسخ داد: «این دیگر تکرار نخواهد شد».

با انباشته شدن اجساد و ناپدید شدن تمام روستاها، سوریه به اصطلاح پس از جنگ نه به عنوان لحظه آشتی، بلکه به عنوان مرحله جدیدی از انتقام فرقه ای سازمان یافته – که با سکوت امکان پذیر شده، توسط روایت پنهان شده، و بدون مجازات آشکار می شود، آشکار می شود.

سطری چند در مورد نویسنده این مقاله :

حمیده رنکوس یک مربی، محقق و نویسنده است که در زمینه سیاست Art' خاورمیانه تخصص دارد. او چندین کتاب منتشر کرده است و مرتباً برای Art' TV و Gercek می نویسد

----- با تقدیم احترامات «02-04-2025»

